

تعارض قوانین در اسناد تجاری بین المللی

دکتر فرهاد پروین*

چکیده

مقاله حاضر، پس از معرفی دو نظام متفاوت بین المللی حاکم بر اسناد تجاری، به معنی خاص کلمه (سفته، برات، چک) در مقدمه، به بررسی تعارض قوانین در این اسناد در شش قسمت می پردازد. در قسمت اول، اهلیت صدور سند تجاری در کنوانسیونهای بین المللی در حقوق ایران و نیز در سایر نظامهای حقوقی بررسی می شود. قانون حاکم بر شرایط شکلی اسناد تجاری در کنوانسیون ژنو و در حقوق ایران، در قسمت دوم بحث می شود. در قسمت سوم، قانون حاکم بر آثار تعهدات در نظام بین المللی و در حقوق ایران تبیین می گردد. مباحث «محل برات» و نقش «حق تمبر» در اعتبار سند تجاری در قسمت های چهارم و پنجم قرار دارند. و در آخرین قسمت، نحوه اقدامات قانونی در مورد برات و سفته و چک بین المللی بررسی شده است.

واژه های کلیدی :

تعارض قوانین ، اسناد تجاری ، کنوانسیون ژنو، چک، برات، سفته، تعهدات، اهلیت، مسؤولیت، محل پرداخت، محل صدور، آنسیترال

مقدمه

اسناد تجاری در حقوق بازرگانی دارای مزایای ویژه‌ای هستند. این اسناد به منظور انتقال طلب، تحصیل اعتبار و وسیله‌ای برای انتقال پول مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند. امضاکنندگان این اسناد، مسئولیت تضامنی دارند و خود به خود معرف طلب هستند. اسناد تجاری به طور اعم شامل اوراق سهام، قبوض انبار، قبوض وثیقه انبارهای عمومی، اسناد در وجه حامل، برات، سفته و چک و به طور کلی اسنادی هستند که در تجارت استفاده می‌شوند و ممکن است شامل دفاتر بازرگانی هم باشند. بحث فعلی، ناظر بر سند تجاری به معنای خاص آن است، که برات، سفته، و چک را شامل می‌شود. برخلاف افراد عادی، بازرگانان همه سرمایه خود را به صورت نقد در حساب بانکی در اختیار ندارند. این سرمایه معمولاً به صورت کالا در اختیار بازرگانان و سایر افرادی است که با آنان معاملاتی دارند. در چنین وضعیتی، پرداخت نقدی غالباً امکان‌پذیر نیست. بر اثر رکود اقتصادی، اسناد تجاری هم دچار رکود شده و با عدم وصول مواجه می‌شوند. چرخش سرمایه بنا بر اسناد تجاری و اعتباری بودن معاملات، همان طور که در حالت عادی باعث تسهیل امور و سرعت روابط تجاری می‌گردد، در بحرانهای اقتصادی، باعث تشدید بحران و ورشکستگی‌های پی‌درپی می‌شود.

به رغم آنکه برات در معاملات داخلی، کاربرد خود را از دست داده و چک جای آن را گرفته است، در روابط تجاری بین‌المللی استفاده می‌شود و از جمله وسایل عمده پرداخت بهای کالاهایی است که در سطح جهان مبادله می‌شوند. برات در روابط بین‌المللی از انتقال پول نقد از کشوری به کشور دیگر و نیز از تبدیل پول به پول دیگر جلوگیری می‌کند و بخصوص تضمینی برای فروشنده است که به موجب آن تا زمانی که خریدار، برات را (در صورت وعده‌دار بودن) قبول نکند، یا در صورت به رؤیت بودن، نپردازد، کالا را برای وی نفرستد. معمولاً علاوه بر برات، اسنادی مثل برگه فروش کالا (فناکتور)، بارنامه، گواهی مبدأ، و بیمه‌نامه ضمیمه برات است تا فروشنده نشان دهد که به تعهداتش پای‌بند بوده است. این نوع برات را، که اسنادی به آن ضمیمه است «برات اسنادی» می‌نامند. در مقابل برات

اسنادی "برات ساده" به براتی اطلاق می‌شود که اسناد حمل کالا همراه آن نیست و معمولاً ناشی از معاملات بازرگانی است و نشان‌دهنده طلب براتکش از براتگیر است.^۱

قواعد حل تعارض ناظر بر اسناد تجاری، مثل سایر مباحث تعارض قوانین، از دو منبع سرچشمه می‌گیرند که عبارتند از: حقوق داخلی قواعد حل تعارض و نظام قراردادی بین‌المللی. در جهان، حقوق مربوط چه بروات به دو خانواده حقوقی تقسیم می‌شوند: یکی نظام ژنو که مبتنی بر کنوانسیونهای ژنو است و ۱۹ کشور قاره اروپا و نیز شوروی سابق، همچنین برزیل و ژاپن به آن ملحق شده‌اند و نظام دیگری که نظام انگلیسی - آمریکایی است. علاوه بر این دو کشور، در اکثر کشورهای مشترک المنافع و کشورهای دیگری که حقوقشان بر اساس نظام Common Law است اجرا می‌شود.^۲

کنوانسیون ژنو (۷ ژوئن ۱۹۳۰)، درباره برات و سفته است و حدوداً اواسط سال ۱۳۰۹ به تصویب رسید، ولی قانون تجارت ایران در سال ۱۳۱۱، براساس قواعد قبلی حقوق فرانسه تدوین شده است. ایران به هیچ یک از کنوانسیونهای ژنو ملحق نشده است، اما در عمل مؤلفان و رویه قضایی به این کنوانسیون توجه دارند.

بیست ماده از کنوانسیون ژنو تحت عنوان قرارداد دوم درباره حل و فصل "پاره‌ای از مسائل تعارض قوانین است". ماده ۱۰ قرارداد دوم باعث شده که از دامنه اجرای این کنوانسیون کاسته شود. به موجب این ماده:

«هریک از طرفهای معظم متعاقد، این اختیار را برای خود محفوظ می‌دارد که در موارد ذیل به اصول حقوق بین الملل خصوصی مندرج در این کنوانسیون عمل نکند:

(۱) هرگاه یکی از تعهدات مربوط به سند تجاری، در خاک کشور غیر عضو کنوانسیون انجام شده

باشد.

(۲) هرگاه بر اساس مقررات کنوانسیون، مقررات خارجی صالح بوده و این قواعد مربوط به کشور غیر

عضو - کنوانسیون باشد.»

۱. فرامرز، مؤمنی، حقوق تجارت بین الملل، جزوه درسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۶۶-۶۷، ص ۱۶

۲. کلایوم، اشمیتوف، حقوق تجارت بین الملل، ترجمه بهروز اخلاقی، فرهاد امام، سید محمد اسبقی یمینی، محمودباقری، امیر حسین طیبی فرد، اسماعیل همت دوست، جلد دوم، انتشارات سمت، ۱۳۷۸، ص ۵۹۰.

بنابراین، اگر برات یا سفته‌ای در قلمرو دولت متعاقد صادر و در قلمرو دولت دیگری ظهرونیسی شده باشد، دولت متعاقد می‌تواند از اجرای مقررات پیمان ژنو خودداری کند. در قراردادهای جمعی که بین تعداد زیادی از دولتها مورد بحث قرار می‌گیرد، یافتن راه حل‌هایی که موافقت همگانی یا اکثریت را جلب نماید، با دشواری روبه‌رو می‌شود.^۳

هر چه از تعارض قوانین در حقوق تجارت بین‌الملل کاسته شود، معاملات تجاری بین‌المللی سرعت و قوت بیشتری می‌گیرد. کنوانسیون‌های ژنو راجع به قانون متحدالشکل برات و سفته (۷ ژوئن ۱۹۳۰) و قانون متحدالشکل چک (۱۹ مارس ۱۹۳۱) از حقوق رومی - ژرمنی الهام گرفته‌اند.

کنوانسیون‌های بین‌المللی ۱۹۳۰ ژنو از سه قرارداد تشکیل شده است. در قرارداد اول دولت‌ها متعهد شده‌اند که قانون متحدالشکل را در حقوق داخلی خود وارد کنند. این مقررات عمدتاً مدل تکمیل شده‌ای از حقوق آلمان است^۴ و به دولتها حق شرط داده است تا بتوانند از بخشی از مقررات ژنو پیروی نکنند. قرارداد دوم دربارهٔ ارائه راه حل در مورد بعضی از مسائل تعارض قوانین و سومین قرارداد ژنو دربارهٔ حق تمبر برات و سفته است که به موجب آن، دول امضاکننده متعهد شده‌اند که قوانین داخلی خود را به نحوی تصویب کنند که عدم الصاق تمبر به برات و سفته، باعث بطلان سند نشود.

پس از کنوانسیون ژنو، کشورهای جهان به دو گروه تقسیم شدند. برخی پیرو کنوانسیون‌های ژنو و برخی دیگر به حقوق کامن لو متکی بودند. بنابراین کنوانسیون ژنو که هدفش متحدالشکل کردن حقوق اسناد تجارتي در سطح بین‌المللی بود، در عمل نتوانست به همه این اهداف دست یابد، زیرا کشورهای بسیاری در جلسات این کنوانسیون شرکت نکردند. کشورهای تابع کامن لا با اعلام اینکه بین حقوق اروپای بری و کامن لا اختلاف‌های عمیقی وجود دارد، به این کنفرانس ملحق نشدند. البته بسیاری از کشورهای اروپایی به کنوانسیون‌های ژنو ملحق شده‌اند و برخی کشورها در موقع تصویب یا تغییر مقررات خود،

3. RIPERT Georges , ROBLLOT , RENÉ , Traité de Droit Commercial , Tome II , 15 è , édition L.G.D.J.Paris , 1996, n1922.

4 .BATTIFOL Henri , Lagarde Paul, Traité de Droite International Privé , TomeI, 8 e ed. L.G.D.J. Paris.1993. n32

به مقررات ژنو توجه داشته‌اند. کشورهای آمریکای لاتین، به جز برزیل، با امضای کنوانسیون هاوناسا (ژانویه ۱۹۲۸) در مورد برات و سفته به نام CODE BUSTAMANTE عملاً دارای مقررات یکنواخت ویژه خود - ملهم از حقوق ایالات متحده آمریکا - هستند.

انگلستان در پایان قرن نوزدهم، با وضع قانونی در ۱۸۸۲، مقرراتی را که در مورد سفته و برات در رویه قضایی وجود داشت، مدون کرد. این مقررات تغییرات زیادی نکرده است. حقوق انگلیس، توسط کشورهای که سابقاً مستعمره آن بوده‌اند و نیز در ایالات متحده آمریکا، پذیرفته شده است. انگلیس از کنوانسیون‌های ژنو فقط "حق تمیز" را امضا کرده است. در آمریکا، تحت تاثیر نظام حقوقی Common Law، به سبب قانونگذاری‌های محلی و رویه قضایی ایالات مختلف، اختلافاتی در حقوق این کشور به وجود آمد. برای حل موضوع، کنفرانس ملی در ۱۸۹۲ تشکیل شد و قانون مربوط به اسناد قابل معامله را تحریر کرد که از همان سال به عنوان یک قانون خاص وارد هر ایالت شد و بعد این مقررات با تغییراتی در Uniforme Commercial Code وارد شد که توسط همه ایالت‌ها، به جز لوئیزیانا، پذیرفته شده است.^۵

کمیسیون سازمان ملل برای حقوق تجارت (آنسیترال)

(UNITED NATIONS COMMISSION INTERNATIONAL TRADE LAW)

آنسیترال برای سازش دادن دو نظام متفاوت حاکم بر بروات، مشغول تدوین یک رژیم حقوقی فرا ملی شد، تا برات‌ها و سفته‌هایی را که جنبه بین‌المللی دارند، دربرگیرد.

مجمع عمومی سازمان ملل در وین در ۹ دسامبر ۱۹۸۸، بعد از بیست سال مطالعه و تحقیق، قواعد کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل را به تصویب رساند و در ۱۷ ژانویه ۱۹۸۹ کنوانسیون راجع به برات و سفته بین‌المللی رسماً از طرف کمیسیون منتشر شد.^۶

در حالی که ماده ۱۰ قرارداد دوم ژنو ۱۹۳۰ درباره حل بعضی موارد تعارض قوانین، اختیار زیادی برای کشورهای امضاکننده پیمان ژنو برای اجرا نکردن مقررات کنوانسیون

5. RIPERT, ROBLLOT, OP. Citn 1924.

۶. محمود، عرفانی، حقوق تجارت بین‌الملل، جلد اول، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۲، - ص ۲.

ژنو قائل است (در مواردی که یکی از مقررات مندرج در سند تجارتي در خاک کشور غير عضو انجام شده باشد و نیز در موردی که مقررات صالح متعلق به کشور غير عضو باشد)، در مقررات آنسیترال به صرف بین‌المللی بودن سند، مقررات کنوانسیون قابل اجراست. این کنوانسیون در مورد چک قابل اجرا نمی‌باشد. کنوانسیون آنسیترال دارای بخش تعارض قوانین نیست، بلکه دارای مقررات ماهوی است که از کشورهای عضو می‌خواهد که آن را در مورد سفته و برات بین‌المللی بپذیرند، بنابراین با پذیرش مقررات ماهوی، دیگر جایی برای تعارض قوانین نیست.

کنوانسیون‌های ژنو سعی کرده‌اند که مقررات سفته و برات و چک را در سطح داخلی یکسان سازند تا پس از متحدالشکل شدن اسناد تجاری در سطح داخلی، تعارضات بین‌المللی نیز به تدریج محو شود. گرچه کنوانسیون آنسیترال دارای مقررات ماهوی است که صرفاً ناظر بر سفته و برات بین‌المللی است، فرانسه به کنوانسیون آنسیترال ملحق نشده است.^۷

کنوانسیون آنسیترال در ماده یک می‌گوید:^۸

« ماده ۱ ...

۱. این کنوانسیون در مورد برات بین‌المللی قابل اجرا می‌باشد ...

۲. این کنوانسیون در مورد سفته بین‌المللی قابل اجرا می‌باشد...»

« ماده ۲ ...

۱. برات بین‌المللی، براتی است که محل صدور یا پرداخت آن (که کشور طرف قرارداد است) در آن قید و حداقل دو محل از مکانهای ذیل نیز که در دو کشور مختلف واقع است، در آن تصریح شده باشد:

الف) محلی که برات در آن صادر شده است.

ب) محلی که در کنار امضای براتکش (مخبر) ذکر شده است.

ج) محلی که در کنار اسم براتگیر (محال علیه) ذکر شده است.

د) محلی که در کنار اسم دارنده برات (محال له) ذکر شده است.

ه) محل پرداخت.

7. Lousouarn, Yvon, Bourel, Pierre, Droit International Prive, Dalloz, Paris, 1999, n37.

۸. محمود، عرفانی، پیشین، ص ۱۱۱ به بعد.

۲. سفته بین المللی، سفته‌ای است که محل پرداخت آن (که کشور طرف قرارداد است) در آن قید و حداقل دو محل از مکان‌های ذیل که در دو کشور مختلف واقع است، در آن تصریح شده باشد، الف) محلی که سفته در آن امضا شده است.

ب) محلی که در کنار امضای امضاکننده (متعهد) ذکر شده است.

ج) محلی که در کنار اسم بستانکار (متعهد له) ذکر شده است.

د) محل پرداخت.

۳. کنوانسیون حاضر، به مسأله ضمانت‌های اجرایی که ممکن است به موجب قوانین ملی در مسورد بیان غیر واقع یا جعل راجع به محل‌های مذکور در پاراگراف ۱ و ۲ این ماده وضع شده باشد، نمی‌پردازد. با وجود این، هر گونه ضمانت‌اجرایی از این قبیل تأثیری در اعتبار اسناد یا در اجرای این کنوانسیون نخواهد داشت.»

برای اولین بار بانکداران سپرده‌پذیر ایتالیایی در قرن ۱۶، رسیدهایی در اختیار مشتریان گذاشته و مشتری‌ها هم آن رسیده‌ها را به طلبکاران می‌دادند. این رسیده‌ها به چک‌های رسید مشهور بود. در قرن ۱۷ در انگلیس چک به عنوان دستور پرداخت مورد استفاده می‌شد. در فرانسه با قانون ۱۴ ژوئن ۱۸۶۵، چک با هدف دستور پرداخت، وارد حقوق آن کشور شد. کنوانسیون ژنو با هدف یکنواخت کردن مقررات راجع به چک به تصویب رسید. همانند کنوانسیون‌های ژنو در مورد برات و سفته، کنوانسیون چک ۱۹۳۱ مشتمل بر سه قرارداد است.

– قرارداد اول یک مقدمه و دو ضمیمه دارد که درباره مقررات متحدالشکل است.

– قرارداد دوم در مورد حل مواردی از تعارض قوانین در زمینه گردش بین‌المللی چک تنظیم شده است.

– قرارداد سوم در خصوص حق تمبر است.

پاره‌ای از کشورها، به این کنوانسیون نپیوسته‌اند، ولی بعضی از کشورها قوانین داخلی خود را براساس این کنوانسیونها تغییر داده‌اند. ایران به کنوانسیونهای مربوط به چک نپیوسته است، اما مؤلفان و قضات در تفسیر و اجرای قانون تجارت به آن توجه دارند.

به علت مقررات ارزی و بانکی متفاوت، از چک در امور تجاری بین‌المللی، برخلاف برات، استقبال چندانی نمی‌شود.^۹

در معاملات بین‌المللی پرداخت‌ها بیشتر از طریق حواله ارزی بانکی است.

طبق ماده ۳ ضمیمه اول قانون متحدالشکل راجع به چک، مورخ ۱۹ مارس ۱۹۳۱: «چک بر عهده بانکی صادر می‌شود که صادرکننده در آن، محل (موجودی) دارد و مطابق قرارداد صریح یا ضمنی، محق در استفاده از مبالغ آن به وسیله چک می‌باشد. معذک، در صورت عدم رعایت این مقررات، اعتبار سند به عنوان چک سلب نمی‌گردد.»^{۱۰}

به موجب ماده ۵۴ «در مقررات این قانون، «بانک» اشخاص یا مؤسسات قانوناً در حکم بانک را شامل می‌شود.»

قسمت اول: اهلیت صدور

الف) اهلیت صدور در کنوانسیون‌های بین‌المللی

قانون متحدالشکل ژنو فاقد مقرراتی درباره اهلیت صدور برات است. بنابراین، اهلیت تابع حقوق داخلی هر کشور است.^{۱۱}

ماده ۲ قرارداد دوم کنوانسیون مصوب ۷ ژوئن ۱۹۳۰ (درباره حل بعضی از موارد تعارض قوانین) چنین بیان می‌دارد:

«اهلیت شخص برای قبول تعهد در مورد برات و سفته به موجب قانون ملی او تعیین می‌گردد. هرگاه قانون ملی مذکور، صلاحیت اعمال قانون کشور دیگری را اعلام دارد، قانون اخیر قابل اعمال خواهد بود.» «با وجود این، شخصی که مطابق قانون مذکور در بند قبل محجور باشد، اگر سند را در سرزمین کشوری امضا کرده باشد که برابر مقررات آن واجد اهلیت لازم است، تعهد او معتبر خواهد بود.»

طبق همین ماده، شخصی که مطابق حقوق ملی اش فاقد اهلیت باشد، اگر سند را در کشوری امضا کند که برابر مقررات آن کشور واجد اهلیت است، تعهد او معتبر تلقی می‌شود. ماده ۲ قرارداد دوم «درباره حل تعارض قوانین» در ادامه می‌گوید:

۹. ریبا، اسکینی، حقوق تجارت (برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک)، انتشارات سمت، ۱۳۷۳، ص ۲۰۴.

۱۰. ر.ک. مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۱۳، بخش اسناد بین‌المللی.
11. Ripert, Roblot, op.cit. n 1961.

« هریک از طرفهای معظم متعاهد، اختیار دارد که اعتبار تعهد انجام شده در زمینه برات یا سفته توسط یکی از اتباع خود را که در کشورهای طرف قرارداد جز از طریق اعمال بند بالا معتبر نیست، به رسمیت نشناسد.»

در مورد چک، ماده ۲ قرارداد دوم کنوانسیون ژنو - ۱۹ مارس ۱۹۳۱ در مورد حل بعضی از موارد تعارض قوانین در خصوص چک، چنین بیان می‌دارد:

« اهلیت شخصی برای قبول تعهد به موجب چک، طبق قانون متبوع او معین خواهد شد و اگر قانون کشور متبوع او قانون کشور دیگری را در موضوع صالح بداند، قانون اخیر اجرا خواهد گردید. با وجود این، اگر شخصی که مطابق قانون مذکور در پاراگراف قبل فاقد اهلیت است، چک را در سرزمین کشوری امضا نموده که برابر مقررات آن واجد اهلیت شناخته می‌شود، تعهد او معتبر خواهد بود. هریک از طرفهای معظم متعاهد می‌تواند از شناسائی و تصدیق اعتبار قرارداد تنظیمی بر مبنای چک صادره توسط یکی از اتباع آن، که در کشور طرف قرارداد جز از طریق اعمال بند قبلی این ماده معتبر نیست، استنکاف ورزد.»

بحث اهلیت در قواعد آنسیترال به سکوت برگزار شده است و کنوانسیون برات و سفته بین‌المللی وارد این مبحث اختلاف برانگیز و در عین حال اساسی نشده است.^{۱۲}

ب) اهلیت صدور در حقوق ایران

اهلیت در اسناد تجاری، جدا از اهلیت در تصرف در اموال و حقوق مالی نیست.

برای تشخیص قانون صالح در مورد اهلیت صدور برای کشورهایایی مثل ایران که به کنوانسیون‌های ژنو نپیوسته‌اند، باید به حقوق خاص همان کشور مراجعه کرد. در حقوق ایران در مورد اهلیت اشخاص حقیقی، ماده ۹۶۲ قانون مدنی احکامی را مقرر داشته است. به موجب این ماده، اهلیت اتباع خارجی در ایران تابع قانون ملی آنهاست، اما اگر فرد خارجی در ایران معامله‌ای کند که به موجب حقوق ملی‌اش فاقد اهلیت، ولی به موجب قانون ایران اهل باشد، از نظر ایران، این معامله صحیح تلقی می‌گردد. به نظر می‌رسد که هدف از این ماده، حفظ نظم عمومی در معاملات واقع در کشور و تسهیل امور تجاری و به نفع اتباع کشور باشد. البته این امر همیشه به نفع طرف ایرانی نیست،^{۱۳} زیرا ممکن است معاملات

۱۲. محمد، صقری، ارزیابی کلی پیش‌نویس ضمیمه اول کنوانسیون برات و سفته بین‌المللی، مجله حقوقی

دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۱۲، ص ۱۵۳.

۱۳. رک: اسکینی، پیشین، ص ۵۷.

تاجر ورشکسته خارجی در ایران درست تلقی گردد. در حالی که حقوق ملی‌اش آن را درست نمی‌داند. با این ترتیب، امکان اجرای احکامی که در ایران صادر شده در کشور متبوع تاجر ورشکسته وجود ندارد و ممکن است در سایر کشورها هم اجرای حکم دچار اشکال شود.

در مورد اهلیت اشخاص حقوقی، ماده قانونی صریحی وجود ندارد و مواد ۷ و ۹۶۲ قانون مدنی با توجه به اینکه از نکاح و حقوق خانوادگی بحث نموده‌اند، به نظر می‌رسد که به اشخاص حقیقی نظر داشته است و اصولاً هنگام تصویب قانون مدنی، اشخاص حقوقی نقش با اهمیت فعلی را در جامعه ایران نداشته‌اند. از آنجا که اصولاً هر شخص، اعم از حقیقی و یا حقوقی، تابع مقررات (طبق ماده ۵۹۱ ق.ت) کشور متبوع خود است و اشخاص حقوقی تابعیت کشوری را دارند که اقامتگاه آنها در آنجاست و منظور از اقامتگاه مرکز اداری است، مقررات کشور محل استقرار مرکز اداری چگونگی اهلیت شخص حقوقی را در صدور اسناد تجاری تعیین می‌کند. از این گذشته، با توجه به اینکه طبق ماده ۵۸۸ قانون تجارت، اشخاص حقوقی همان حقوق و تکالیف شخص حقیقی را می‌توانند داشته باشند، مگر آنچه که ویژه شخص حقیقی است، مثل ابوت و بنوت. اشخاص حقوقی، مثل اشخاص حقیقی با توجه به مقررات متبوع، حق صدور سند تجاری را دارند. بنابراین مقررات مواد ۷ و ۹۶۲ قانون مدنی، با وحدت ملاک، در مورد اشخاص حقوقی هم مجری است. البته در مورد اشخاص حقوقی باید به اساسنامه آنها هم توجه کرد. چه بسا که حقوق متبوع خارجی، اهلیتی را اعطا کرده باشد که اعضا یا سهامداران، بخشی از آن را به شکلی مقید یا مشروط کرده باشند یا فاقد آن باشند.

علاوه بر این، در بحث اهلیت، باید به قانون متبوع صادرکننده و قانون محل صدور هر دو توجه داشت. قانون متبوع شخص صادرکننده تا جایی امکان اجرا دارد که با مقررات آمره محل صدور مخالفتی نداشته باشد.

در تعارض بین این دو، حاکمیت با قانون محل صدور است. به همین دلیل است که بهرغم مخالفت قانون متبوع صادرکننده، هرگاه سند تجاری براساس حقوق کشور محل صدور معتبر باشد، آثار معتبر بودن را داراست.

طبق ماده ۳۰۵ قانون تجارت ایران: «در مورد برواتی که در خارج از ایران صادر

می‌شود، شرایط اساسی برات تابع قوانین مملکت محل صدور است.»

با توجه به ماده فوق و مواد قانون تجارت ایران، روشن است که شرایط اساسی برواتی

که در داخل ایران صادر می‌شود، تابع حقوق ایران است. هرچند که لزوم اهلیت صادرکننده

از شرایط اساسی صدور اسناد تجاری است، ولی به نظر می‌رسد که منظور ماده ۳۰۵ قانون

تجارت از شرایط اساسی برات، صرفاً شرایط شکلی و مواردی است که باید در سند قید شود

و شامل شرایط ماهوی نمی‌گردد. گرچه عبارت شرایط اساسی عام است و همه شرایط را در

بر می‌گیرد، ولی با توجه به مواد ۲۲۳ و ۲۲۶ قانون تجارت، تحت عنوان: مبحث اول -

صورت برات، منظور مقنن ایرانی از شرایط اساسی، مباحثی چون اهلیت صادرکننده،

مشروعیت جهت، قصد و رضا، قبول و نکول و امثال آن نیست، زیرا به موجب ماده ۲۲۳

قانون تجارت:

«برات علاوه بر امضا یا مهر برات دهنده باید دارای شرایط زیر هم باشد:

۱. قید کلمه (برات) در روی ورقه

۲. تاریخ تحریر

۳. اسم شخصی که باید برات را تأدیه کند.

۴. تعیین مبلغ برات

و ...»

و در ماده ۲۲۶ ذکر شده است: «در صورتی که برات متضمن یکی از شرایط اساسی مقرر در

فقرات ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ماده ۲۲۳ نباشد، مشمول مقررات راجع به بروات تجاری نخواهد بود.»

البته این اشکال وارد است که چرا قانونگذار به شرایط شکلی و صوری، نام «اساسی»

داده است که فقدان هر کدام از آنها را باعث خروج سند از مقررات اسناد تجاری بدانند. مثلاً

یکی از شرایط مذکور در ماده ۲۲۳: «بند ۸، تصریح به اینکه نسخه اول یا دوم یا سوم یا

چهارم الخ است.» به نظر می‌رسد که مؤلفین و رویه قضایی نیز (برخلاف دستور صریح ماده

۲۲۶) عدم ذکر اینکه برات نسخه چندم است را جزو شرایط اساسی و باعث خروج سند از

مقررات قانون تجارت نمی‌دانند. البته شکی نیست که مقررات امری محل صدور می‌تواند

شرایط خود را به اسناد صادره در آن سرزمین تحمیل کند. بدیهی است که این الزام از محدوده همان کشور فراتر نمی‌رود و مقررات امری محل صدور نمی‌تواند سندی را که مطابق با حقوق محل صدور نیست، در همه کشورها باطل و بی اثر اعلام کند. برعکس سایر کشورها هم می‌توانند سندی را که مطابق شرایط کشور محل صدور نیست، ولی مطابق مقررات ملی است، در محدوده مرزهای خود صحیح تلقی نمایند، و یا اینکه سندی را که مطابق شرایط کشور محل صدور است، ولی مطابق مقررات ملی نیست، باطل قلمداد کنند.

سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا اصل حاکمیت اراده در مورد اهلیت صادرکننده قابل اعمال است؟ چون قواعد مربوط به اهلیت در امور تجاری امری است، قاعده حل تعارض مربوط به آن نیز امری است و نمی‌تواند تابع قانون منتخب طرفین حاکم بر قرارداد باشد.

اصل حاکمیت اراده که قانون حاکم بر آثار تعهد است، نمی‌تواند در مورد اهلیت که از شرایط اساسی ایجاد تعهد است، اجرا شود. اهلیت و یا عدم اهلیت اشخاص به میل و اراده خود اشخاص نمی‌تواند باشد، زیرا تأثیر میل و اراده وابسته به اهلیت است و اهلیت بستگی به اراده و میل اشخاص خواهد داشت. خروج از این دور و نیز اهمیت بحث اهلیت ایجاب می‌نماید که مقررات مربوط به اهلیت امری بوده و تابع میل و اراده خود اشخاص نباشد، در حقوق ایران، اهلیت در امور مالی از اهلیت در امور خانوادگی وارث تفکیک شده است. با حذف ماده ۱۲۰۹ قانون مدنی در حال حاضر، سن خاصی به عنوان اماره رشد وجود ندارد، ولی با توجه به قانون رشد متعاملین مصوب ۱۳ شهریور ۱۳۱۳ و رویه عملی محاکم و ادارات و محاضر و بانکها، سن هجده برای ساکنین ایران، اماره رشد محسوب می‌شود. بنابراین صدور و امضای سند تجاری توسط ایرانی یا خارجی ۱۸ ساله در ایران معتبر است، مگر اینکه حجر وی در دادگاه ثابت شود. همچنین کسب حکم رشد برای ذکور بعد از پانزده و برای اناث بعد از نه سالگی امکان‌پذیر است. برای خارجی‌ان کمتر از هجده سال، اگر طبق حقوق خودشان اهلیت داشته، باشند با توجه به صدر ماده ۹۶۲، عمل حقوقی ایشان در ایران معتبر است.

ج) در سایر نظامهای حقوقی

در حقوق فرانسه، طبق ماده ۳ قانون مدنی این کشور، اهلیت فرانسویان مقیم خارج تابع قانون ملی شان است. این قاعده حل تعارض یک‌جانبه به وسیله رویه قضائی، دوجانبه شده است. پس در این کشور نیز اهلیت شخص تابع قانون ملی تبعه است، ولی این امر بدون محدودیت نیست. دادگاه استیناف پاریس گفته است، گرچه اهلیت تابع قانون ملی است، این امر مانع از کاربرد قوانین فرانسوی مربوط به نظم عمومی نمی‌شود که برای همه ما، حتی خارجیان الزام‌آور است. طبق رأی مشهور به LIZARDI که مفاد آن به ماده ۹۶۲ قانون مدنی ایران نزدیک است، فرانسویان موظف نشده‌اند که قوانین مربوط به ملتهای مختلف را خصوصاً در مورد صغر یا کبر بشناسند. برای اعتبار قرارداد کافی است که فرانسوی بدون بی احتیاطی و غفلت و با حسن نیت رفتار کرده باشد.^{۱۴}

در ماده ۹۶۲ قانون مدنی ایران، عنصر حسن نیت مورد ملاحظه قرار نگرفته است. طبق ماده ۱۱ کنوانسیون ۱۹۸۰ رم در مورد قانون حاکم بر تعهدات قراردادی که بسیاری از کشورهای اروپایی به آن ملحق شده‌اند و در فرانسه از اول آوریل ۱۹۹۱ به مرحله اجرا در آمده است: «در انعقاد قرارداد چنانچه متعاقدین در یک کشور باشند، یک شخص حقیقی که طبق قانون این کشور صالح است نمی‌تواند به استناد قانون دیگری ادعای عدم اهلیت کند، مگر اینکه در موقع انعقاد قرارداد، طرف قرارداد به این عدم اهلیت [طبق قانون دیگر] آگاه بوده و یا اینکه [عدم اهلیت آشکار باشد] به نحوی که طرف قرارداد نمی‌توانسته آن را [جز به علت وجود بی‌احتیاطی‌اش] نادیده بگیرد».

قسمت دوم: قانون حاکم بر شرایط شکلی اسناد تجاری

کنوانسیون سازمان ملل متحد راجع به برات و سفته بین‌المللی، مصوب ۹ دسامبر ۱۹۸۸ کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل متحد، فاقد بخش تعارض قوانین است و در مورد شرایط شکلی برات و سفته بین‌المللی دارای مقررات ماهوی است. بنابراین قانون، حاکم بر شرایط شکلی سفته و برات و چک بین‌المللی در کنوانسیون‌های ژنو و در حقوق ایران بررسی می‌شود.

الف) کنوانسیون‌های ژنو

منظور از شکل، جنبه‌های صوری سند، صرف نظر از محتوای آن است. مثل زبان نگارش، رسمی بودن یا عادی بودن سند. در این مورد ماده ۳ قرارداد دوم ژنو (۱۹۳۰) چنین پیسان می‌دارد:

« شرایط شکلی تعهدات ناشی از برات و سفته، بر اساس قانون کشوری که تعهدات مذکور در سرزمین آن انجام شده است، تعیین می‌شود. با وجود این، اگر تعهدات در برات یا سفته، مطابق مقررات بند اول، معتبر نبوده، ولی با مقررات کشور بعدی محل تعهد هماهنگ باشد، این ایراد که شرایط اساسی تعهدات اولیه صورت قانونی نداشته است، خدشه‌ای به اعتبار تانویه وارد نخواهد کرد. هریک از طرفهای معظم متعاقد مختار است مقرر نماید که تعهدات انجام شده در برات و سفته توسط یکی از اتباع آن کشور در خارج، در مقابل یکی دیگر از اتباع آن دولت در سرزمین خود اعتبار قانونی دارد، مشروط بر اینکه شرایط شکلی این تعهدات مطابق قانونی ملی [مربوط] صحیح باشد.»

در اینجا نیز مانند سایر اسناد، قاعده LOCUS REGIT ACTUM (محل بر سند حکومت می‌کند) حاکم است، یعنی سند از لحاظ شکل، تابع قانون محل تنظیم است. شرایط اساسی صدور سند، تابع کشوری است که سند در آن سرزمین صادر می‌شود. مطابق ماده ۳ مذکور، که شکل سند را تابع الزامات سرزمین محل تنظیم می‌داند، چنانچه تعهدات مندرج در برات یا سفته از نظر کشور محل تنظیم دارای نقایصی باشد، ولی این تعهدات مطابق با مقررات کشوری باشد که تعهدات مؤخر در آنجا صورت گرفته است، اوضاع و احوالی که موجب بی اعتباری تعهدات مقدم شده است، باعث عدم اعتبار تعهدات مؤخر نخواهد شد. اصل استقلال امضاها در اسناد تجاری مؤید این مطلب است. اصل استقلال امضاها در ماده ۷ قانون متحدالشکل ژنو در فصل نخست (در برات) چنین ذکر شده است:

« در صورتی که برات، متضمن امضای اشخاصی باشد که فاقد اهلیت برای متعهد نمودن خود به وسیله یک برات هستند یا برات متضمن امضاهای معمول باشد یا متضمن امضای اشخاصی خیالی یا امضایی باشد که بنا به دلایل دیگر، توان امضاکننده یا کسانی را که برات به نمایندگی از طرف آنان امضا شده است، متعهد نمود، مسئولیت اشخاص دیگری که برات را امضا کرده‌اند، اعتبار خود را از دست نمی‌دهد.»

از نظر شارحان حقوق رم (حاشیه نویسان) قاعده تبعیت سند از مقررات سرزمین محل تنظیم باید بر شکل و نیز بر محتوای قراردادها (هر دو) حاکم باشد. پس از مطرح شدن اصل حاکمیت اراده توسط شارل دومولن (Dumoulin) (در فرانسه، قرن ۱۶)، مسائل ماهوی از مسائل شکلی جدا شد، ولی اصل حکومت مقررات محل تنظیم نسبت به شکل سند در مورد ظاهر اسناد باقی ماند. پرسشی که در اینجا پیش می‌آید این است که آیا افراد باید اسناد خود را مطابق قانون محلی تنظیم نمایند و یا اینکه در انتخاب شکل محلی ملی خود، یا شکل مربوط به قرارداد اصلی آزاد هستند؟

گرچه در گذشته، در اکثر کشورها قاعده تبعیت شکل سند از مقررات سرزمین محل تنظیم، امری تلقی می‌شد، طبق نظریات اخیر، از آنجا که این راه حل برای تسهیل امور حقوقی است، این قاعده جز در مورد برخی از اموال، مثل اسناد مربوط به اموال غیر منقول، جنبه امری بودن خود را از دست داده است. الزامی یا اختیاری قاعده حل تعارض به الزامی بودن یا اختیاری بودن موضوع مربوط به آن در حقوق ماهوی داخلی بستگی دارد.

وقتی در حقوق داخلی، اسناد عادی به هر شکلی می‌توانند تنظیم شوند و لزوم تبعیت از مقررات محلی وجود ندارد، منطقی است که در روابط خصوصی بین‌المللی، در مورد اسناد عادی، پیروی شکل از مقررات محل تنظیم الزامی نباشد. مثلاً یک قرارداد عادی اجاره تنظیمی در ایران می‌تواند به زبان رسمی کشور (فارسی)، یا به هر زبان دیگری تنظیم شود و فارسی نبودن قرارداد باعث بطلان آن نمی‌گردد. حال باید دید آیا اختیاری بودن شکل تنظیم سند در اسناد عادی، شامل اسناد تجاری به معنای خاص هم می‌شود؟ زیرا اسناد تجاری به معنای خاص (چک، سفته، و برات) ویژگی‌هایی دارند که با یک قرارداد عادی متفاوت است. امکان ورود اشخاص متعدد در سند تجاری و تضمین امنیت تجاری آنها، اقتضا می‌کند که شکل این اسناد برای امضاکنندگان معین و قابل اعتماد باشد.

در صورتی که مثلاً شکل برات تابع اراده یک‌جانبه صادرکننده یا حتی توافق سه‌جانبه براتکش، براتگیر، و دارنده اولیه باشد، جلب اعتماد همگانی برای انجام معاملات با این اسناد تأمین نمی‌شود. حفظ حقوق اشخاص ثالث اقتضا می‌کند که شکل اسناد تجاری در تجارت بین‌المللی الزاماً تابع مقررات محل صدور باشد، وگرنه در صورت حاکمیت آزادی اراده

طرفین در تنظیم شکل سند، تنوع و تشتت شکل اسناد، باعث سلب اعتماد خواهد شد. همان گونه که در مقدمه ذکر شد، مقررات آنسیترال صرفاً ناظر بر سفته و برات بین‌المللی است و شامل چک نمی‌شود. در مورد سفته و برات بین‌المللی، در مقررات آنسیترال با ذکر مقررات ماهوی حاکم بر این دو سند تجاری، بحث تعارض قوانین کنسار گذاشته شده است.

در مورد شرایط شکلی مربوط به چک، ماده ۴ پیمان ژنو (۱۹۳۱) (قرارداد دوم) احکامی شبیه ماده ۳ قرارداد دوم کنوانسیون ۱۹۳۰ درباره برات و سفته دارد. با این تفاوت که علاوه بر مقررات کشور محل تنظیم، رعایت مقررات کشور محل پرداخت را هم، برای صحیح تلقی نمودن چک، کافی می‌داند. به موجب این ماده:

« شکل تعهداتی که به موجب چک به وجود می‌آید، طبق قانون کشوری معین می‌شود که تعهدات مذکور در قلمرو آن صورت گرفته است. با وجود این، رعایت مقررات قانون محل پرداخت در این باره کفایت می‌کند. بدین ترتیب که هرگاه تعهدات مندرج در چک طبق مقررات بند اول این ماده معتبر نباشد، ولی موافق قانون کشوری باشد که تعهد بعدی در آنجا به امضا رسیده است، غیر قانونی بودن شکل تعهدات قبلی، اثری در اعتبار تعهد بعدی نخواهد داشت. هر یک از دول معظم متعاقد حق دارد درباره تعهدات اتباع خود به موجب چک در خارج از قلمرو کشور مقرر دارد که هرگاه این تعهدات از نظر شکلی با مقررات قانون ملی منطبق باشد، در قبال سایر اتباع همان دولت در داخل قلمرو کشور نیز معتبر خواهد بود.»

در مورد چک، علاوه بر مقررات محل صدور، به قانون کشور محل پرداخت که همان محل استقرار بانک یا مؤسسه بانکی صادرکننده چک است نیز توجه شده است. می‌توان گفت که در مورد چک، قانون محل پرداخت، مناسب‌ترین قانون است.^{۱۵} بنابراین به موجب کنوانسیون ۱۹۳۱ ژنو، چک از لحاظ شکلی تابع محل پذیرش تعهد است و این قاعده دو استثنا دارد: نخست اینکه اگر شکل‌های محل پرداخت ساده‌تر از محل صدور باشد، شرایط شکلی تابع محل اخیر است و دیگر اینکه اگر چک، به لحاظ شکلی طبق قانون محل صدور

۱۵. ر.ک. اخلاقی، چک در قلمرو حقوق تجارت بین‌الملل، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی

باطل باشد، امضایی که در محلی شده است که طبق مقررات آن کشور معتبر است، امضاکننده را متعهد می‌سازد.^{۱۶}

نقش قانون محل پرداخت در چک:

به علت وابستگی چک به شخص صادرکننده و مقررات کشور محل استقرار محال علیه، قانون محل پرداخت در چک در بسیاری از موارد نقش مهمی بر عهده دارد. اهلیت محال علیه تابع مقررات کشور محل پرداخت است. ماده ۳ قرارداد دوم ژنو درباره حل بعضی از موارد تعارض قوانین (۱۹۳۱) چنین بیان می‌دارد:

«قانون کشور محل پرداخت چک، اشخاصی را که چک می‌تواند بر عهده آنها صادر شود، تعیین می‌کند. در صورتی که به موجب مفاد این قانون، چک به جهت شخصی که بر عهده او کشیده شده است بی اعتبار باشد، تمهیدات ناشی از امضاهای مندرج در آن در کشورهای دیگر که مقرراتشان متضمن این قاعده نیست کماکان معتبر خواهد بود.»

همچنین به موجب ماده ۴ قرارداد مذکور: «طرز تنظیم هر گونه قرارداد ناشی از چک، براساس قانون کشور محل امضای قرارداد تعیین می‌شود. با این حال، رعایت شرایط شکلی مقرر در قانون محل پرداخت نیز کفایت می‌کند.»

ماده ۷ کنوانسیون ۱۹۳۱ (قرارداد دوم) موارد متعددی را تابع مقررات کشور محل پرداخت چک قرار داده است:

قانون کشور محل پرداخت، موارد ذیل را تعیین می‌کند.

۱. آیا چک لزوماً سند به رؤیت است یا می‌تواند به وعده از رؤیت نیز تنظیم شود و دیگر اینکه صدور چک با درج تاریخ مؤخر چه آثاری دارد؛
۲. مهلت ارائه؛
۳. آیا ممکن است در چک قبولی داده شود، یا چک تضمین، تصدیق یا تأیید شده باشد و آثار حقوق ناشی از این عبارات کدام است؟
۴. آیا دارنده می‌تواند تمام وجه [چک] را مطالبه نماید یا اینکه ملزم به قبول قسمتی از آن نیز هست؟

۵. آیا چک می‌تواند «بسته» یا متضمن شرط «واریز به حساب» یا عبارت معادل آن باشد و آثار مترتب بر هر یک چیست؟

۶. آیا دارنده چک، واجد حقوق متمایزهای نسبت به «موجودی حساب» می‌باشد و ماهیت این حقوق کدام است؟

۷. آیا صادرکننده می‌تواند چک را لغو (فسخ) یا برای جلوگیری از پرداخت آن اقدام نماید؟

۸. آیا تدابیر لازم در مورد گم شدن یا سرقت چک، اتخاذ شده است؟

۹. آیا اعتراض‌نامه یا گواهی معادل آن جهت حفظ حق رجوع علیه ظهرنویسان، صادرکننده و متعهدان دیگر ضروری است؟»

ممکن است این سؤال به ذهن برسد که آیا مقررات محل پرداخت در موارد مذکور که متعدد هم هستند، امری است یا اینکه افراد ذی‌نفع در صورت توافق، حق عدول از آنها را دارند؟

به نظر می‌رسد که به سبب وابستگی تام چک به سرزمین محل پرداخت و شخص حقوقی صادرکننده آن، اصل حاکمیت اراده تا جایی مجراست که مخالف قواعد امری محل پرداخت نباشد.

(ب) حقوق ایران

در مورد شرایط حاکم بر شکل سند، ماده ۹۶۹ قانون مدنی اسناد را، اعم از تجاری یا غیر تجاری، عادی یا رسمی، از لحاظ طرز تنظیم، تابع مقررات سرزمین محصل تنظیم قرار داده است. در قانون تجارت، ماده ۳۰۵ تنها مقررات حاکم بر برات را معین کرده است، ولسی در ماده ۳۰۹ قانون تجارت که خود سومین ماده از فصل دوم از باب چهارم قانون تجارت است. (برات، سفته، طلب، چک) ذکر شده است که:

«تمام مقررات راجع به بروات تجاری (از مبحث چهارم الی آخر فصل اول این باب) در مورد فته طلب

نیز لازم‌الرعایه است.»

بنابراین مفاد مواد ۳۰۵ و ۳۰۶ که در مبحث دوازدهم فصل اول و آخرین ماده از فصل اول باب چهارم است، درباره سفته نیز مجراست. ولی در مورد چک، قانونگذار برخی از مقررات برات و چک را یکسان دانسته است و از تسری همه مقررات برات به چک خودداری ورزیده است. طبق ماده ۳۰۴ قانون تجارت «مقررات این قانون از ضمانت صادر کننده و ظهرنویسی و اعتراض و اقامه دعوی و ضمان و مفقود شدن راجع به بروات، شامل چک نیز خواهد بود.» بنابراین مباحثی از مقررات برات، مثل قوانین خارجی (مبحث دوازدهم) پرداخت (مبحث هفتم) حقوق و وظایف دارنده برات (مبحث نهم) شامل چک نخواهد بود. این امر ناشی از ماهیت چک است که از نظر قانونگذار صرفاً وسیله پرداخت و قائم مقام وجه نقد است، در حالی که سفته و برات، از اسناد مربوط به تعهدات مالی و وعده‌دار است. از این گذشته، ارتباط ویژه چک با محال علیه، شخص حقوقی صادر کننده که معمولاً بانک است و آثار آن را نمی‌توان در برات و سفته مشاهده نمود. در هر حال، در چک می‌توان هم از مفاد ماده ۹۶۹ قانون مدنی بهره جست و هم از وحدت ملاک ماده ۳۰۵ قانون تجارت، زیرا با آنکه ماده ۳۰۵ ویژه برات است و چک هم دارای ویژگی‌هایی است که آن را در مواردی از برات و سفته جدا می‌سازد، ولی به عنوان یک سند تجاری (مفاد ماده ۳۰۵) مغایرتی با ویژگی‌های چک ندارد و قابل تسری به چک است.

به موجب ماده ۳۰۵ قانون تجارت، مقررات کشور محل صدور حاکم بر صدور برات است. بدیهی است که معمولاً محل صدور، دارای مقررات امری و نیز تکمیلی و تفسیری است.

عدم رعایت مقررات امری محل صدور برات یا سفته باعث عدم اعتبار آن می‌شود. عدم رعایت مقررات تکمیلی و تفسیری علی‌الاصول، مبطل سند نیست. حتی در صورت عدم رعایت مقررات امری محل صدور، ممکن است چنین سندی طبق حقوق ایران معتبر تلقی شود و آن در صورتی است که برات یا سفته به‌رغم مغایرت کشور خارجی محل صدور، مطابق شرایط اساسی قانون ایران باشد. در این صورت طبق ماده ۳۰۵ فوق‌الذکر «کسانی که در ایران تعهداتی کرده‌اند حق استناد به این ندارند که شرایط اساسی برات یا تعهدات براتی مقدم بر تعهدات آنها مطابق با قوانین خارجی نیست.»

بنابراین اسناد تجاری صادره در خارج از کشور که در ایران ارائه می شوند، لازم نیست مطابق شرایط حقوق ایران باشد، بلکه باید مطابق مقررات امری کشور محل صدور باشند. در مورد چک، همان طور که در بالا بیان شد، تمامی احکام سفته و برات قابل تسری به آن نیست، زیرا در چک مقررات امری کشور محل پرداخت، نقش اساسی دارد. درست است که چک نباید برخلاف مقررات کشور محل صدور صادر شود، اما حتی اگر مطابق شرایط کشور محل صدور باشد، چنانچه با مقررات امری شخص حقوقی صادرکننده آن، مغایرت داشته باشد، در بسیاری موارد اعتبار خود را از دست می دهد. در واقع می توان گفت که در مورد «چک» در صورت مقابله مقررات کشور محل صدور و کشور محل پرداخت، ارجحیت با دومی است. در صورت رعایت نشدن مقررات امری کشور محل پرداخت، چک امتیازات خود را به عنوان یک سند تجاری از دست می دهد و به شکل یک سند عادی در می آید. پس در این صورت صرف عدم رعایت مقررات محل پرداخت، باعث بی اعتباری توافقی های مندرج در چک یا ابطال تعهدات مندرج در آن نمی شود و در هر حال به عنوان یک سند عادی غیر تجاری معتبر است.

قسمت سوم: قانون حاکم بر آثار تعهدات

همان طور که در حقوق داخلی جهت چرخش امور بازرگانی با اسناد تجاری، این اسناد، صرف نظر از منشاء صدور آن، بررسی می شوند، در زمینه بین المللی نیز تعهدات ناشی از سند تجاری، تابع حقوقی است و از حقوق روابطی که به سبب آنها این اسناد صادر می شوند، مجزا است. این تعهدات به طور عمده عبارتند از: ظهرنویسی، ضمانت، قبولی و ... سؤال اساسی این است که در سند تجاری، آیا هر تعهد باید مشمول مقررات ویژه خود باشد، یا اینکه کل سند باید از یک قانون تبعیت کند؟ بدیهی است که متابعت همه بخشهای یک سند از حقوق واحد، کاملاً ایده آل و مطلوب است، ولی به سبب وجود عناصر خارجی در سند که به همراه خود، حقوق ویژه آن عنصر خارجی را مطرح می سازند و نیز با توجه به اصل استقلال امضاها که لازمه اعتبار اسناد تجاری است و با توجه به عدم هماهنگی بین نظامهای حقوقی داخلی، حاکمیت حقوق واحد بر همه بخشهای سند تجاری، عملاً مقدور

نیست. کنوانسیون‌های ژنو نیز با توجه به اصل استقلال امضاها، هر امضا را تابع حقوق کشور محل وقوع تعهد می‌داند. این نظام در مواردی، بویژه به نفع قانون کشور محل پرداخت، تعدیل شده است.^{۱۷}

ماده ۴ قرارداد دوم ژنو درباره حل بعضی از موارد تعارض قوانین در باب بروات و سفته‌ها می‌گوید:

« آثار تعهدات قبول‌کننده یک برات یا متعهد یک سفته، بر اساس قانون محل پرداخت این اسناد معین می‌شود. آثاری که امضای دیگر متعهدان برات یا سفته مولد آن است، مطابق قانون کشوری تعیین می‌شود که امضاها را مذکور در سرزمین آن کشور داده شده است.»

پیمان ژنو بین حقوق حاکم بر آثار تعهدات براتگیر با سایر متعهدان، تفکیک قائل شده و اولی را تابع قانون محل پرداخت و دومی را تابع حقوق محل ایجاد تعهد می‌داند.

بنابراین آثار تعهد ظهرنویس، تابع قانون محل ظهرنویسی و آثار ضمانت، تابع قانون محلی است که در آنجا ضمانت داده شده است. همچنین آثار تعهد براتکش نیز در مسائلی که پیش می‌آید، مثل اینکه آیا براتکش ضامن قبولی و پرداخت است یا خیر و چه ایراداتی می‌تواند علیه دارنده برات داشته باشد، یا چه اختیاراتی در مراجعه به متعهدان دارد، تابع قانون محل وقوع تعهد است. اینکه آیا براتگیر حق مشروط نمودن یا تغییر تاریخ سررسید و محل پرداخت را دارد یا خیر و امکان هرگونه تغییر احتمالی در سند توسط وی، تابع حقوق کشور محل پرداخت خواهد بود. به نظر می‌رسد، در صورتی که به حقوق اشخاص ثالث لطمه‌ای وارد نشود، با توجه به اصل حاکمیت اراده، در چهارچوب شرایط اختیاری و غیر مخالف با مقررات امری، ذکر شرایطی مثل «شرط عدم مسئولیت» و «غیر قابل ظهرنویسی» و «بدون تضمین» و امثال آن، بین متعهد له و متعهد معتبر باشد.

در پیمان ژنو درباره جهت یا سبب تعهدات براتی بحثی وجود ندارد و هیچ‌گونه توافقی در این مورد امکان‌پذیر نشد.^{۱۸} طبق حقوق فرانسه جهت باید مشروع باشد. در حقوق ایران طبق بند ۴ ماده ۱۹۰ قانون مدنی، مشروعیت جهت معامله یکی از شرایط اساسی صحت

17. AUDIT, Bernard, Droit international Prive Economica, Paris, 1991, n 764.

۱۸. بهروز، اخلاقی، اسناد تجاری در قلمرو حقوق تجارت بین الملل، مجله حقوقی، شماره ۱۲، ص ۱۱۳.

معامله است. ولی به موجب ماده ۲۱۷ همان قانون، «در معامله لازم نیست که جهت آن تصریح شود، ولی اگر تصریح شده باشد باید مشروع باشد والا باطل است.» بنابراین با عدم تصریح، «اصل صحت» جاری می‌شود و شخصی که ادعای نامشروع بودن جهت را دارد باید آن را به اثبات برساند و اگر این امر به اثبات برسد (مثلا در اثر حکم جزایی) معامله و سند تجاری مربوط به آن باطل خواهد بود. در مورد قانون حاکم بر تشخیص مشروعیت، در اسناد تجاری بین‌المللی، قطعا در هر صورت قانون محل اجرا حاکم خواهد بود، زیرا سند حتی اگر سند به موجب قانون محل انعقاد بدون اشکال باشد، اجرای مفاد آن در کشور محل اجرا نباید با نظم عمومی آن کشور برخوردی داشته باشد. در مورد نقض قرارداد که موضوع آن در کشور محل اجرا نامشروع است، در کشور ثالث نیز نمی‌توان خسارت ناشی از عدم انجام تعهد را مطالبه کرد؛ زیرا از نظر کشور ثالث تعذر اجرای قرارداد یا نامشروعیت موضوع قرارداد در کشور محل اجرا، از موارد استناد به نظم عمومی در روابط بین‌المللی است.^{۱۹} در حقوق ایران گرچه ماده ۹۶۸ قانون مدنی توجه فوق‌العاده‌ای به قانون محل وقوع عقد دارد، صحت معامله، به موجب قانون محل وقوع عقد نمی‌تواند مانع از عدم اجرای آن در کشور محل اجرا به خاطر ایجاد اختلال در نظم عمومی بشود. در صورتی که اگر به موجب قانون محل اجرا، عقد درست باشد، بطلان سند به سبب عدم مشروعیت جهت تعهد به موجب قانون محل صدور، لطمه‌ای به اجرای آن در کشور دیگر، وارد نمی‌سازد.

در حقوق ایران: با توجه به ماده ۳۰۵ قانون تجارت می‌توان گفت که نظر مقنن بر امکان اعمال نظامهای حقوقی داخلی متعدد بر سند تجاری است، زیرا به موجب این ماده: «هر قسمت از سایر تعهدات براتی (تعهدات ناشی از ظهرنویسی، ضمانت، قبولی و غیره) نیز که در خارجه به وجود آمده، تابع قوانین مملکتی است که تعهد در آنجا وجود پیدا کرده است.»

منظور از سایر تعهدات در بند فوق، تعهدات بعد از صدور سند است. ماده ۹۶۸ قانون مدنی نیز مؤید این مطلب است که: «تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع عقد است.» خود ماده ۳۰۵ استثنایی را در حاکمیت قانون محل وقوع تعهد، بر آثار تعهد وارد کرده است که به موجب آن: «اگر شرایط اساسی برات مطابق قلمرو ایران موجود و یا تعهدات براتی

موافق قانون ایران صحیح باشد، کسانی که در ایران تعهداتی کرده‌اند، حق استناد به این ندارند که شرایط اساسی برات یا تعهدات براتی مقدم بر تعهدات آنها مطابق با قوانین خارجی نیست.»

بنابراین، اگر ظهرنویسی انجام شده در خارج از کشور، به رغم مغایرتش با حقوق خارجی، برخلاف حقوق ایران نباشد، کسی که در ایران برات (یا سفته) را مجدداً ظهرنویسی کرده است، مکلف به انجام تعهدات خود است.

اصل تعدد قوانین قابل اعمال برسند در مواردی محدود شده است. طبق ماده ۵ پیمان ژنو:

«مهلت مقرر جهت انجام حق رجوع برای همه صاحبان امضاها بر اساس قانون محل تأسیس سند

معین خواهد شد.»

موضوع خسارت از جمله آثار مربوط به هر امضاست. مقررات کشورهای مختلف در باب خسارت تأخیر تأدیه متفاوت است. در مورد موضوعات مربوط به خسارت، مثل میزان آن، به نظر نمی‌رسد که بتوان قانون واحدی را حاکم بر سند تجاری دانست.

هر امضاکننده‌ای باید پاسخگوی خسارت مربوط به تعهد خود باشد. اگر مطالبه خسارت مربوط به قبول‌کننده برات یا متعهد سفته باشد، موضوعات ماهوی آن، طبق بند اول ماده ۴ قرارداد دوم ژنو (۱۹۳۰) تابع قانون محل پرداخت سند خواهد بود، ولی در مورد سایر اشخاص متعهد سفته یا برات، طبق بند ۲ ماده ۴ مذکور، آثار تعهد مربوط به اشخاص در برات یا سفته تابع حقوق کشوری است که در سرزمین آن، امضاهای مزبور صورت گرفته است.

بنابراین، بر حسب اینکه دارنده علیه کدام یک از اشخاص متعهد سفته یا برات طرح دعوی کند، خواسته می‌تواند متغیر باشد.

از جمله دیگر آثار تعهدات، موضوع مرور زمان است. مرور زمان‌های تجاری معمولاً کوتاه‌تر از مرور زمان‌های عادی است. یک سؤال اساسی این است که آیا پس از سپری شدن مرور زمان تجاری، دارنده می‌تواند به اشخاص متعهد در سند به استناد مرور زمان عادی مراجعه کند یا خیر؟ طبق ماده ۳۱۹ قانون تجارت ایران «اگر وجه برات یا سفته یا طلب یا چک را نتوان بواسطه حصول مرور زمان پنج ساله مطالبه کرد، دارنده برات یا سفته طلب یا چک می‌تواند تا حصول مرور زمان اموال منقوله، وجه آن را از کسی که به ضرر او استفاده

بلاجهت کرده است مطالبه نماید.» طبق ماده مذکور، پس از انقضای مرور زمان تجاری، مسؤولیت تضامنی امضاکنندگان سند در برابر دارنده از بین می‌رود.

در صورتی که تعارض قوانین پیش نیاید و همه امضاها مربوط به یک کشور عضو کنوانسیون، یا به کشورهای مربوط به آن باشد، مسأله تعارض حقوقها بروز نمی‌کند، زیرا این کنوانسیون در ماده ۷۰ (در بخش ۱۱) (قرارداد اول کنوانسیون راجع به قانون متحدالشکل در خصوص بروات و سفته‌ها، ژنو، ۷ ژوئن ۱۹۳۰)، با تعیین قواعد ماهوی، زمینه تعارض را از بین برده است. به موجب این ماده: « کلیه حقوق رجوعهای ناشی از برات نسبت به قبول کننده، پس از گذشت سه سال از تاریخ سررسید ساقط می‌شود. حقوق رجوعهای دارنده علیه ظهرنویسان و براتکش پس از یک سال از تاریخ تنظیم اعتراض‌نامه در مهلت مقرر یا از تاریخ سررسید در مورد قید «بازگشت بدون هزینه» [در برات] سلب می‌گردد. حقوق رجوعهای پشت نویسان نسبت به یکدیگر و علیه براتکش بعد از گذشت شش ماه از تاریخ روزی که ظهرنویس مبلغ سفته را تأدیه کرده یا روزی که علیه او اقامه دعوی شده است، ساقط می‌باشد.» ولی در صورت بروز تعارض قوانین بین قانون محل صدور سند و محل انجام تعهد یا محل پرداخت، به نظر می‌رسد که مرور زمان تابع قانون محل صدور سند باشد، زیرا به موجب ماده ۵ قرارداد دوم کنوانسیون «مهلت مقرر جهت انجام حقوق رجوع برای همه صاحبان امضاها بر اساس قانون محل تأسیس سند معین خواهد شد.»

در مورد امکان قبول بخشی از مبلغ مندرج در سند، ماده ۷ قرارداد دوم ژنو مقرر می‌دارد: «این موضوع که آیا قبولی می‌تواند منحصر به یک قسمت از وجه باشد یا اینکه دارنده ملزم به قبول پرداخت جزئی از مبلغ است، توسط قانون کشور محل پرداخت تعیین می‌شود. همین قواعد بر پرداخت سفته نیز حاکمیت دارد.»

حقوق ایران قبول جزئی از برات را می‌پذیرد. به موجب بند دوم ماده ۲۲۹ قانون تجارت در مبحث قبول و نکول: «اگر عبارت فقط مشعر بر عدم قبول یک جزء از برات باشد بقیه وجه برات قبول شده محسوب است.» این امر برخلاف ماده ۲۲۷ قانون مدنی است که به موجب آن «متعهد نمی‌تواند متعهد له را مجبور به قبول قسمتی از موضوع تعهد نماید، ولی حاکم می‌تواند نظر به وضعیت مدیون مهلت عاده یا اقساط دهد.»

قسمت چهارم: « محل برات »

محل برات وجهی است که براتکش به اتکای وجود بالفعل یا بالقوه آن (در موعد پرداخت) برات را صادر می کند.

ماده ۱۶ ضمیمه دوم قرارداد اول کنوانسیون ژنو ۱۹۳۰، چنین بیان می دارد:

« اینکه آیا براتکش ملزم به تأمین محل در سررسید است و آیا دارنده، حقوق ویژه‌ای نسبت به این محل دارد یا خیر، خارج از دایره شمول قانون متحدالشکل می باشد. همین حکم در مورد هر موضوع دیگری نسبت به رابطه پایه‌ای منتهی به صدور برات جاری است. » طبق ماده ۲۰ همین ضمیمه، مفاد مواد ۱ تا ۱۸ در خصوص بروات نسبت به سفته‌ها نیز جاری است. این کنوانسیون نخواستار است مقررات یکسانی را در این مورد بر کشورهای تحمیل کند، زیرا حقوق کشورها در مورد محل برات متنوع است. حل و فصل موضوعات مربوط به محل برات، به قواعد داخلی هر کشور بستگی دارد، اما در صورت تعارض قوانین، کشوری که به کنوانسیون پیوسته است باید از ماده ۶ قرارداد دوم تبعیت نماید.

به موجب این ماده: « این موضوع که آیا مالکیت طلب منتهی به صدور سند، به دارنده

برات منتقل می شود، بر اساس قانون محل تنظیم آن مشخص می گردد. »

در کنفرانس ژنو، گرایش اولیه این بود که صلاحیت قانون محل پرداخت مرجع باشد، زیرا برای دارنده برات اطمینان بخش است، اما سرانجام با تصویب ماده ۶ مذکور، کنفرانس، قانون محل صدور را به عنوان قانون حاکم بر چگونگی انتقال محل برات انتخاب کرد.^{۲۰} به عبارت دیگر، قانون محل صدور برات تعیین خواهد کرد که آیا دارنده برات، مالک طلبی که موجب صدور برات شده است می شود یا خیر؟

درباره محل برات، مسأله این است که آیا مبلغی که در سررسید به دارنده اختصاص داده شده یا می شود، با صدور برات و انتقال آن از راه ظهنروسی، به وی منتقل می شود یا خیر؟ فایده عملی این موضوع این است که اگر صدور برات یا ظهنروسی آن به این معنی باشد که محل برات به دارنده سند یا ذی نفع منتقل شده است، در صورت ورشکستگی

صادرکننده، معادل وجه برات، از دارایی براتکش به این سند اختصاص پیدا می‌کند و بنابراین دارنده برات یا ظهرنویس، هم‌ردیف سایر طلبکاران ورشکسته نخواهند بود، زیرا معادل وجه برات، دیگر جزء دارایی براتکش نیست. در غیر این صورت، دارنده نیز در ردیف سایر طلبکاران ورشکسته خواهد بود.

طبق بند سوم ماده ۱۱۶ قانون تجارت فرانسه «مالکیت محل به طور قهری به دارندگان پی‌درپی برات منتقل می‌شود.» در حقوق ایران در این باره راه حل صریحی ذکر نشده است. از مجموعه مواد چنین بر می‌آید که دارنده، حقی بر دارایی صادرکننده یا براتگیری که برات را قبول کرده است دارد و نه اینکه مالک معادل مبلغ مندرج در سند، مالک باشد.

در مورد چک: ماده ۱۹ ضمیمه دوم قرارداد اول قانون متحدالشکل ژنو در مورد چک ۱۹۳۱ از ورود به بحث ماهیت محل چک خودداری کرده و چنین بیان می‌دارد:

«اینکه آیا دارنده چک حقوق ویژه‌ای نسبت به محل آن و آثار این حقوق دارد، از شمول قانون متحدالشکل خارج است. همین حکم در مورد هر موضوع دیگری راجع به روابط حقوقی مبنای صدور چک جاری است.»

در صورت بروز تعارض قوانین، طبق ماده ۷ قرارداد دوم کنوانسیون مذکور، قسانون کشور محل پرداخت، حقوق دارنده چک و ماهیت این حقوق را معین می‌کند. ماده ۷: «قانون کشور محل پرداخت، موارد ذیل را تعیین می‌کند:

۶- آیا دارنده چک واجد حقوق ممتازی نسبت به «موجودی حساب»... می‌باشد و ماهیت این حقوق کدام است.»

قسمت پنجم: حق تمبر

قرارداد سوم کنوانسیون ژنو راجع به حق تمبر بروات و سفته‌ها (۷ ژوئن ۱۹۳۰) یک ماده مهم دارد و آن ماده یک است:

«اگر در حال حاضر قوانین داخلی اعضای کنوانسیون منطبق با این مقررات نباشند، طرفهای معظم متعاقد ملزمند قوانین مذکور را در این جهت تغییر دهند که اعتبار تعهدات ناشی از برات یا اجرای حقوق ناشی از آن، مستلزم رعایت مقررات مربوط به تمبر نخواهد بود. با این حال، طرفهای معظم متعاقد می‌توانند اجرای این حقوق را تا پرداخت حق تمبر مقرر یا هر جریمه قانونی معلق نمایند. همچنین ممکن است براساس قوانین داخلی خود مقرر کنند که خصوصیات و آثار حقوقی یک سند به رؤیت، به عنوان برات یا سفته، موکول به این خواهد بود که از تاریخ صدور سند، حق تمبر مربوط، آن طور که باید مطابق مقررات پرداخت شده باشد. هریک از طرفهای معظم متعاقد حق محدود کردن مقررات بند اول را به مورد برات برای خود محفوظ می‌دارد.»

قرارداد سوم کنوانسیون راجع به حق تمبر چک‌ها (ژنو ۱۹ مارس) ۱۹۳۱ در ماده یک چنین بیان می‌دارد:

«در صورت فقدان مقرراتی در این خصوص در قوانین داخلی، طرفهای معظم متعاقد متعهد می‌شوند که قوانین خود را در تمام سرزمینهای تحت حاکمیت یا اقتدار خود، که مشمول این کنوانسیون می‌باشند، به نحوی تغییر دهند که اعتبار تعهدات ناشی از چک یا اجرای حق ناشی از آن، منوط به رعایت مقررات مربوط به تمبر نشود. با وجود این، طرفهای معظم متعاقد می‌توانند اجرای این حقوق را تا پرداخت حق تمبر مقرر یا هر جریمه قانونی معلق نمایند. اعضا همچنین ممکن است مطابق قوانین داخلی خود مقرر دارند که خصوصیات و آثار حقوقی اسناد لازم الاجرا، که طبق قوانین آنها به چک نیز قابل انتساب است، موکول به این شرط خواهد بود که از تاریخ صدور سند، حق تمبر مربوط دقیقاً پرداخت شده باشد.»

انگلستان از کنوانسیون‌های ژنو فقط کنوانسیون مربوط به حق تمبر را امضا کرده است.^{۲۱} در مواد ۲۲۳ و ۲۲۶ قانون تجارت ایران نیز، مطابقت میزان تمبر مالیاتی با مبلغ مندرج در سفته یا برات، جزء شرایط اساسی ذکر نشده است.

قسمت ششم: حقوق و وظایف دارنده سند تجاری

رعایت مواعدی که نادیده گرفتن آنها معمولا باعث وارد شدن لطمه جزئی یا کلی به حقوق دارنده سند تجاری می‌شود، از اهمیت زیادی برخوردار است: به موجب ماده ۸ قرارداد دوم (ژنو ۱۹۳۰):

« شکل و مهلت‌های اعتراض، همچنین تشریفات و عملیات لازم برای اجرا یا تأمین حقوق در زمینه برات و سفته، تابع قوانین کشوری خواهد بود که در سرزمین آن، اعتراض یا عمل حقوقی مورد نظر باید انجام شود.»

بدیهی است در صورت امتناع براتگیر یا متعهد سفته از قبولی یا پرداختن وجه، دارنده سند حق مراجعه به اشخاص متعهد را دارد، اما موضوع اساسی، قانون حاکم و نحوه مراجعه است.

در قانون تجارت ایران مواد ۲۷۴ تا ۲۹۱ تکالیفی را برای دارنده برات و ظهرنویس مقرر کرده است که عدم رعایت آنها باعث می‌شود به حقوقشان لطمه وارد شود. در انجام هر اقدام حقوقی، باید مقررات کشور محل اقدام را به عنوان یک اصل کلی در نظر گرفت.

در مورد اینکه آیا فورس ماژور یا قوه قاهره که مانع از اقدامهای دارنده سند در مواردی مثل واخواست و رعایت مهلت اعتراض شده است، تا چه حد و در چه مواردی مؤثر است، موضوع تابع مقررات کشوری است که واخواست، یا سایر اقدامات قانونی قرار است در قلمرو آن انجام شود.

اصولا اقدامات قضایی تابع مقررات مقرر است. امر ابلاغ نیز تابع قانون محل است. ابلاغ واخواست، امر رسمی به تأدیه است. همین که ابلاغی با شرایط و در مهلت‌های مقرر در قانون مقرر صورت گرفته باشد، این موضوع برای حفظ حقوق دارنده برات و سفته علیه متعهدان آن کافی است. ماده ۳۰۶ قانون تجارت ایران نیز چنین مقرر می‌دارد:

« اعتراض و به طور کلی هر اقدامی که برای حفظ حقوق ناشیه از برات و استفاده از آن در خارجه باید به عمل آید، تابع قوانین مملکتی خواهد بود که آن اقدام باید در آنجا بشود.»

باید توجه داشت که به موجب ماده ۵ پیمان ژنو ۱۹۳۰:

«مهلت مقرر جهت اعمال حق رجوع برای همه صاحبان امضاها بر اساس قانون محل تأسیس سند معین خواهد شد.»

این موضوع، هر امضا کننده ای را وادار می سازد تا در مورد مهلت های اعمال حق مراجعه، از مقررات محل صدور سند اطلاع حاصل کند. بدیهی است، اعمال مقررات واحد بهتر از اجرای قوانین متعدد است.

واخواست، احراز رسمی ارائه سند به متعهد و امتناع او از قبولی (در برات) یا عدم پرداخت است. طبق ماده ۸ سابق الذکر، شکل و مهلت واخواست تابع مقررات کشوری است که واخواست نامه در قلمرو آن تنظیم می شود. بدیهی است واخواست نمی تواند تابع مقررات متعدد حاکم بر متعهدان مختلف سند تجاری باشد. در صورتی که طرفهای سند بر معافیت از واخواست توافق کرده باشند، اعتبار یا بی اعتباری چنین توافقی تابع حقوق کشوری است که در قلمرو آن واخواست نامه باید تنظیم شود. مثلاً طبق ماده ۲۸۲ قانون تجارت ایران: «نه فوت محال علیه، نه ورشکستگی او، نه اعتراض نکولی، دارنده برات را از اعتراض عدم تأدیه مستغنی نخواهد کرد.»

اینکه سررسید باید به چه صورت باشد و چه شکل هایی می تواند داشته باشد، از موارد تابع قانون محل صدور است. معمولاً در این مورد، اصل حاکمیت اراده نیز نقش خود را نشان می دهد، زیرا در چهارچوب مقررات امری، براتکش و متعهد سفته می توانند در بین انواع مختلف سررسید، دست به انتخاب بزنند. اما درباره نحوه مطالبه از زمان سررسید سند، قانون محل پرداخت مناسب است. دوگانگی بین مقررات حاکم بر سررسید (مقررات محل صدور) و مقررات مربوط به نحوه مطالبه از سررسید (مقررات محل پرداخت) ممکن است مشکل ساز باشد. البته عده ای نیز قانون محل صدور را صالح می دانند.

در مورد مهلت طرح دعوی، به نظر می رسد که نمی توان از ماده ۵ پیمان ژنو استفاده کرد، زیرا این ماده صرفاً به مهلت مقرر جهت اعمال حق رجوع برای همه صاحبان امضاها اشاره دارد که بر اساس قانون محل صدور است. این قانون برای تعیین مهلت طرح دعوی مناسب نیست.

با توجه به اینکه ماده ۸، شکل و مهلت های اعتراض و نحوه تشریفات مربوط به اقدام برای اجرا یا تأمین حقوق در مورد برات یا سفته را تابع سرزمین محل اقدام حقوقی یا محل انجام اعتراض قرار داده است، و نیز با توجه به رابطه نزدیک مهلت طرح دعوی دارنده علیه

براتگیر یا متعهد سفته با سایر اقدامات مذکور در ماده ۸، مناسب است که این مورد نیز تابع مقررات کشور محل اقامه دعوی باشد.

اینکه چه کسی حق ارائه سند برای پرداخت را دارد و سند چه هنگام باید ارائه شود، تابع مقررات محل ارائه است.

به رغم اینکه ماده ۸ پیمان، به طور کلی اقدامات مربوط به اجرا یا تأمین حقوق در زمینه برات و سفته را تابع کشور محل اقدام قرار داده است، ماده ۹ در مورد اقدامات لازم در صورت مفقود شدن یا به سرقت رفتن سند، حکمی ویژه دارد. به موجب این ماده:

« قانون کشور محل پرداخت برات یا سفته، ترتیبات مقرر در صورت مفقود شدن یا به سرقت رفتن برات یا سفته را تعیین می کند. »

بدیهی است ماده فوق، ناظر به اقدامات حقوقی برای حفظ حقوق دارنده سندی است که آن را گم کرده است یا از او سرقت کرده‌اند. اما اقدامات جزایی، تابع مقررات سرزمین محل وقوع جرم است؛ زیرا گم شدن و سرقت بر نحوه پرداخت مؤثر است و قانون محل پرداخت مناسب‌ترین قانون برای تعیین عوارض فقدان اصل سند و نشان دهنده راههای ممکن برای جانشینی سند گمشده و حفظ حقوق دارنده است.

در مورد پول قابل پرداخت در برات، اصولاً قواعد کشور محل پرداخت مجراست. این امر مانع از توافق طرفین در پرداخت به ارز دیگری نیست، مگر اینکه کشور محل پرداخت دارای مقررات در این مورد باشد. طبق ماده ۴۱ کنوانسیون ۱۹۳۰ (قرارداد اول):

« در صورتی که برات قابل تأدیه به پولی غیر از وجه رایج محل پرداخت صادر شده باشد، مبلغ قابل پرداخت می تواند به وجه رایج همین کشور و به نرخ روز سررسید تأدیه شود ... ارزش پول بیگانه بر اساس عرف و عادت محل تأدیه تعیین می شود ... این قواعد در موردی که براتکش [در برات] قید نموده باشد که پرداخت باید به پول رایج معینی صورت پذیرد، جاری نمی شود (شرط پرداخت مؤثر با پول خارجی). در موردی که وجه برات به واحد پولی تحریر شده است که در محل صدور، محل پرداخت واجد یک عنوان، اما با

ارزشهای متفاوت می باشد، پول کشور محل پرداخت قابل استناد خواهد بود.» در مورد پول قابل پرداخت در برات باید قواعد حقوق عمومی و قواعد حقوق قراردادی را تلفیق نمود. در مورد چک هم مثل برات عمل می شود، یعنی طبق ماده ۸ قرارداد دوم ژنو ۱۹۳۱: «تشریفات و مهلت‌های اعتراض، همچنین نحوه انجام عملیات لازم برای اجرا یا تأمین حقوق، تسایع قانون کشوری است که اعتراض یا عمل حقوقی مورد نظر باید در سرزمین آن انجام شود.»

نتیجه گیری

- دو نظام حقوقی متفاوت، کنوانسیون‌های ژنو و کامن لا، حاکم بر تعارض قوانین در اسناد تجاری است و کنوانسیون راجع به برات و سفته بین‌المللی تا به حال نتوانسته است به این اختلاف پایان دهد.
- گرچه ایران به هیچ یک از کنوانسیون‌های ژنو نپیوسته است، تأثیر آنها چه در قانون تجارت و چه در رویه قضایی و دکترین مشهود است.
- اهلیت صدور سند تجاری تابع قانون ملی شخص است. در برخی از کشورها این قانون، اهلیت را به قانون دیگری احاله می‌کند.
- در مورد شرایط شکلی اسناد تجاری بین‌المللی، کنوانسیون راجع به برات و سفته بین‌المللی دارای مقررات ماهوی است، ولی کنوانسیون‌های ژنو اصل را حقوق کشور محل پذیرش تعهد دانسته‌اند، با ذکر این استثنا که صرف بی‌اعتباری تعهد مقدم، باعث عدم اعتبار تعهد مؤخر نمی‌شود.
- در چک، قانون محل پرداخت نقش ویژه دارد و در بسیاری از موارد مناسب‌ترین قانون است.
- در مورد آثار تعهدات، کنوانسیون‌های ژنو، با توجه به اصل استقلال امضاها، هر امضا را تابع حقوق کشور محل وقوع تعهد می‌داند که این روش در مواردی، به نفع کشور محل پرداخت، تعدیل شده است (مثل آثار تعهدات قبول کننده برات یا متعهد سفته و نیز ترتیبات مقرر در صورت گم شدن یا به سرقت رفتن سند تجاری که بر اساس قانون محل پرداخت است.)

- حقوق و وظایف دارنده سند تجاری برای انجام اقدامات قانونی و قضایی تابع کشور محل اقدام است.
- هر دو نظام حقوقی بر این اساس اند که رعایت نشدن مقررات مربوط به حق تمبر باعث بی اعتباری سند تجاری نمی شود و کسر تمبر قابل جبران است.

فهرست منابع

فارسی

- اسناد بین المللی، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۱۳، ۱۳۶۹.
- اخلاقی، بهروز، چک در قلمرو حقوق تجارت بین الملل، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۱۳، سال ۱۳۶۹.
- اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت (برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک)، انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۷۴.
- اشمیتوف، کلایوام، حقوق تجارت بین الملل، ترجمه بهروز اخلاقی، فرهاد امام، سید محمد اسبقی یمینی، محمود باقری، امیرحسین طیبی فرد، اسماعیل همت دوست، جلد دوم، انتشارات سمت، ۱۳۷۸.
- صقری، محمد، ارزیابی کلی پیش نویس ضمیمه اول کنوانسیون برات و سفته بین المللی، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۱۲، ۱۳۶۹.
- عرفانی، محمود، حقوق تجارت بین الملل، جلد اول، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۲.
- مؤمنی، فرامرز، جزوه حقوق تجارت بین الملل، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۶۷-۱۳۶۶.
- نصیری، مرتضی، حقوق تجارت بین الملل، بی تا، چاپ پیکان.

فرانسه

- Audit , Bernard , **Droit International Privé** , Economica , Paris , 1991.
- Battifol, henri , Lagarde Paul , **Traité de Droit International Privé**, TomeI, 8ééd. L.G.D. J.Paris. 1993.
- Code de Commerce , Dalloz , Paris , 1997-98.
- Loussouarn Yvon , BOUREL Pierre, **Droit International Privé** , Dalloz , Paris , 1999.

-
- Mayer Pierre, **Droit International Privé**, 4è édition , Montchrestin , Paris , 1991.
 - Ripert Georges , Roblot René , **Traité de Droit Commercial** , Tome II , 15é édition , L.G.D.J.Paris. 1996.